

# سخنرانی و رفتار سخنرانان

## در جنبش شیر و خورشید

دفاع از شاهزاده رضا پهلوی و مسئولیت سخنران در ساختن ایران آینده

دکتر پیمان بخشایش

MD, PhD, MBA

جراح تروما و ارتوپدی، فعال سیاسی و تحلیلگر

۹ اکتبر ۲۰۲۶ برابر با ۱۷ مهر ۱۴۰۵



تصویر نمادین ارسالی نویسنده درباره سخنرانی، آزادی و همبستگی ملی

## مقدمه

کسی که در جنبش شیر و خورشید میکروفون را در دست می‌گیرد، مسئولیتی فراتر از بیان احساسات خود دارد. او باید بتواند دفاع از شاهزاده رضا پهلوی را به تصویری روشن از ایران آینده پیوند دهد؛ ایرانی که در آن آزادی، حاکمیت قانون و مشارکت شهروندان در زندگی روزمره قابل مشاهده باشد. از نظر من، سخنران این جنبش باید از اکنون رفتاری متناسب با کشوری داشته باشد که برای ساختن آن تلاش می‌کند. متانت، استدلال و احترام به همه ایرانیان بخشی از همین مسئولیت است.

### ۱. سخنران باید به تمام مردم ایران بیندیشد

مخاطب یک سخنرانی عمومی فقط کسانی نیستند که در برابر جایگاه ایستاده‌اند و شعارهای ما را تکرار می‌کنند. مخاطب، دانشجویی است که هنوز تصمیم نگرفته، خانواده‌ای است که نگران امنیت و معیشت خود است، شهروندی است که به جمهوری علاقه دارد و ایرانی مؤمنی است که از حکومت دینی به ستوه آمده است. سخنران باید بداند که هر جمله او ممکن است به گوش همین افراد برسد. اگر کلام ما فقط برای تأیید دوستانمان تنظیم شود، فرصت گفت‌وگو با بخش بزرگی از جامعه را از دست می‌دهیم.

من از شاهزاده رضا پهلوی حمایت می‌کنم و او را در شرایط کنونی برجسته‌ترین چهره برای انسجام ملی و رهبری دوران گذار می‌دانم. این، ارزیابی سیاسی من و مبنای حمایت من است. اندازه دقیق حمایت عمومی و تصمیم نهایی درباره شکل حکومت را نمی‌توان با شدت صدای یک تجمع تعیین کرد. پذیرش آزادانه مردم باید در فضایی سنجیده شود که انتخاب واقعی، اطلاع‌رسانی مستقل و امکان مخالفت وجود داشته باشد. همین تمایز، سخن ما را معتبر می‌کند.

یک جنبش ملی باید ظرفیت پذیرش کسانی را داشته باشد که امروز با ما همراه نیستند. ممکن است فردا با شناخت بیشتر، مشاهده رفتار ما یا بررسی برنامه‌ها به ما بپیوندند؛ ممکن است همچنان مخالف بمانند و شهروندی مسئول باشند. در هر دو حالت، ایران آینده به آنان تعلق دارد. ما برای ساختن کشوری تلاش می‌کنیم که حقوق مردمش به نزدیکی آنان به یک رهبر یا یک جریان سیاسی وابسته نباشد.

اتحاد زمانی معنا دارد که تفاوت‌ها را در یک چارچوب مشترک جای دهد. تمامیت ارضی، شهروندی برابر، جدایی دین از حکومت و پذیرش رأی آزاد مردم می‌توانند چنین چارچوبی فراهم کنند. وب‌سایت رسمی شاهزاده نیز بر انتخابات آزاد، حاکمیت قانون، حقوق بشر و برابری شهروندان تأکید دارد. سخنران باید این اصول را به زبان روشن توضیح دهد و در رفتار خود نشان دهد که به آن‌ها پایبند است. [۱]

## ۲. از میراث نوسازی تا پهلوی پلاس

بخشی از اعتبار نام پهلوی برای من به پیوند آن با دولت‌سازی و نوسازی ایران بازمی‌گردد. وقتی از این میراث سخن می‌گویم، به کشورسازی، گسترش آموزش، خدمات درمانی، زیرساخت و توان اداره یک کشور مستقل می‌اندیشم. ارزش سیاسی این یادآوری در آن است که به مردم نشان دهد حکومت باید توان حل مسائل واقعی زندگی آنان را داشته باشد. بحث درباره جزئیات کارنامه تاریخی به شواهد و سنجش جداگانه نیاز دارد؛ یک سخنرانی آینده‌نگر باید این پرسش را پیش ببرد که امروز چه نهادهایی برای ایران لازم است.

در نوشته‌هایم، از جمله کتاب «مردم من»، این پیوند میان تداوم ملی و تکمیل دموکراتیک را «پهلوی پلاس» نامیده‌ام. منظور من بهره‌گیری از تجربه نوسازی و افزودن تضمین‌هایی است که آزادی، پاسخ‌گویی و امکان اصلاح مداوم را در ساختار سیاسی تثبیت کنند. این اصطلاح، صورت‌بندی تحلیلی من است؛ آن را نباید نام رسمی برنامه شاهزاده یا ادعای تأیید نوشته‌هایم از سوی او دانست. [۲]

برای من، بخش افزوده این اندیشه در نهادینه کردن حق انتخاب است. مردم باید بتوانند در انتخابات رقابتی نمایندگانشان را برگزینند، دولت را از طریق سازوکارهای قانونی تغییر دهند و درباره تصمیم‌های عمومی پرسش کنند. مقصود آن نیست که هر سمت تخصصی یا هر تصمیم اجرایی به رأی مستقیم گذاشته شود. مقصود، ساختاری است که قدرت سیاسی از رضایت مردم سرچشمه بگیرد و مسئولان، در حدود وظایفشان، قابل نظارت و پاسخ‌گویی باشند.

در طرح اضطراری پروژه شکوفایی ایران، برای تعیین شکل نظام آینده، انتخاب میان پادشاهی پارلمانی و جمهوری از طریق همه‌پرسی پیش‌بینی شده است. سپس انتخاب مجلس مؤسسان، تدوین قانون اساسی، رأی عمومی درباره آن و انتخابات پارلمان مطرح می‌شود. این یک طرح پیشنهادی برای گذار است، نه قانون

لازم‌الاجرای امروز یا نتیجه‌ای از پیش تعیین‌شده. ارزش آن برای بحث حاضر، قرارگرفتن انتخاب مردم در مسیر تأسیس نظم آینده است. [۳]

سخنران مدافع شاهزاده باید بتواند توضیح دهد که چرا از رهبری او برای گذار حمایت می‌کند و چرا شکل نهایی حکومت را تابع تصمیم آزاد مردم می‌داند. این دو تعهد می‌توانند در کنار یکدیگر قرار گیرند. اطمینان به دیدگاه خود، زمانی معنای دموکراتیک پیدا می‌کند که حاضر باشیم آن را در برابر انتخاب واقعی جامعه قرار دهیم.

### ۳. معنای ملت قوی دولت قوی و شاه قوی

من از هماهنگی میان ملت، دولت و نهاد پادشاهی سخن گفته‌ام. در چارچوبی که پیشنهاد می‌کنم، ملت قوی یعنی شهروندانی دارای حقوق، آموزش، امکان تشکل و توان نظارت. دولت قوی یعنی اداره‌ای کارآمد، خدمات عمومی قابل اتکا و مسئولانی که در برابر پارلمان پاسخ دهند. شاه قوی، در صورت انتخاب پادشاهی مشروطه از سوی مردم، یعنی نهادی معتبر برای تداوم ملی و خدمت به وحدت کشور در حدود قانون اساسی.

این هماهنگی به معنای برابری سه قدرت رقیب یا اختیار نامحدود پادشاه نیست. حاکمیت از آن مردم است و قانون اساسی رابطه نهادها را تعیین می‌کند. در تعریف پادشاهی پارلمانی، مسئولیت سیاسی و اجرایی با دولت پاسخ‌گوست؛ پادشاه عمدتاً نقشی ملی، نمایندگی‌کننده و مدنی دارد. راهنمای مؤسسه بین‌المللی دموکراسی و کمک انتخاباتی همین تمایز را در توضیح پادشاهی‌های پارلمانی برجسته می‌کند. [۴]

نمونه‌های تطبیقی نیز این مسئله را روشن می‌کنند. قانون اساسی ژاپن، جایگاه امپراتور را به اراده مردم پیوند می‌دهد و او را فاقد اختیار حکومت‌کردن می‌داند. در بریتانیا نیز نقش پادشاه با بی‌طرفی سیاسی و اعتماد پارلمان به دولت توضیح داده می‌شود. این نمونه‌ها برای فهم رابطه تداوم ملی و حکومت منتخب سودمندند؛ طراحی ایران باید متناسب با نیازها و تصمیم مردم ایران انجام گیرد. [۵]، [۶]

من پادشاهی مشروطه پارلمانی را برای ایران ترجیح می‌دهم و آن را واجد ظرفیت تداوم و ثبات می‌دانم. با این حال، هیچ عنوان حکومتی به‌تنهایی ثبات یا آزادی را تضمین نمی‌کند. اعتبار نظام به اجرای قانون، آزادی رقابت، سلامت انتخابات و امکان تغییر دولت وابسته است. در نظام پارلمانی، دولت از طریق پارلمان شکل

می‌گیرد و می‌تواند اعتماد آن را از دست بدهد. همین امکان تغییر قانونی، باید جای نیاز مکرر به فروپاشی کامل ساختار سیاسی را بگیرد. [۷]

## ۴. سخنرانی به عنوان آموزش مسئولیت شهروندی

در فضای اعتراضی، گاهی واژه agitator برای کسی به کار می‌رود که مردم را برمی‌انگیزد. من برای جنبشی که مدعی ساختن سکولاردموکراسی است، مسئولیتی گسترده‌تر قائل هستم. سخنران باید شور جمعی را به فهم سیاسی و مشارکت مسئولانه پیوند دهد. مردم لازم است بدانند پس از عبور از حکومت فعلی، چگونه می‌توانند همچنان صاحب اختیار بمانند و از حقوق خود دفاع کنند.

وقتی از انتخابات سخن می‌گوییم، باید درباره کیفیت آن نیز صحبت کنیم. رأی‌دادن زمانی معنا دارد که نامزدها بتوانند رقابت کنند، رسانه‌ها امکان پرسش داشته باشند، رأی مخفی باشد و شهروند از پیامد انتخاب خود نترسد. ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اراده مردم و انتخابات ادواری واقعی را مبنای اقتدار حکومت می‌داند. این اصل باید از یک عبارت حقوقی به دانشی عمومی تبدیل شود. [۸]

سخنران می‌تواند این دانش را با مثال‌های قابل فهم بیان کند. شهروند باید بتواند بداند بودجه شهر چگونه خرج می‌شود، تصمیم یک مقام را به چالش بکشد و درباره عملکرد نماینده خود داوری کند. اگر مسئولی به وعده‌هایش عمل نکرد، باید مسیر قانونی برای پرسش، بررسی و تغییر وجود داشته باشد. توضیح چنین حقوقی برای یک خانواده، گاه از ده‌ها عبارت کلی درباره عظمت آینده مفیدتر است.

در کنار انتخابات، مشارکت در انجمن‌های مدنی، تشکل‌های حرفه‌ای، احزاب، شوراها و رسانه‌های مستقل اهمیت دارد. فناوری می‌تواند دسترسی به اطلاعات و مشورت عمومی را بهتر کند، به شرط آنکه حریم خصوصی، امنیت داده‌ها و دسترسی برابر رعایت شود. تصمیم‌های عمومی باید به نهادهای قانونی و روش‌های قابل بررسی تکیه کنند. سخنران باید مردم را به مشارکتی دعوت کند که مسئولیت و امکان پیگیری داشته باشد.

## ۵. دادخواهی و کرامت انسانی در برابر سرکوب

تا زمان نگارش این مقاله، از استقرار جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ حدود ۴۷ سال گذشته است. نقد من متوجه ساختار حکومتی است که قدرت سیاسی و اجبار دینی را در هم آمیخته و حقوق شهروندان را قربانی

حفظ خود کرده است. برای محکوم کردن این ساختار باید رفتارهای مشخص را نام برد: سرکوب اعتراض، نقض آزادی، محروم کردن مردم از دادرسی عادلانه و استفاده از قدرت عمومی علیه جامعه.

درباره اعتراض‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ و ژانویه ۲۰۲۶، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در گزارش ۲۳ ژانویه از تشدید سرکوب از ۸ ژانویه و استفاده نیروهای امنیتی از مهمات جنگی علیه تظاهرکنندگان سخن گفت. او همچنین محدودیت دسترسی و قطع ارتباطات را مانعی برای راستی‌آزمایی جزئیات دانست. این گزارش، مبنایی مستند برای بیان شدت سرکوب است؛ سخنران باید همان قدر که در محکومیت نقض حقوق قاطع است، در نقل آمار و جزئیات دقیق باشد. [۹]

رنج قربانیان، مسئولیت اخلاقی ما را افزایش می‌دهد. سخنرانی باید یاد جان‌باختگان و حق خانواده‌های آنان برای حقیقت و عدالت را حفظ کند. ادعای تأییدنشده، حتی اگر برای لحظه‌ای شور بیشتری ایجاد کند، می‌تواند اعتماد به روایت‌های درست را آسیب بزند. کرامت قربانیان ایجاب می‌کند که از نام و سرنوشت آنان با دقت سخن بگوییم.

دادخواهی باید به شناسایی مسئولیت افراد و رسیدگی عادلانه منتهی شود. مجازات جمعی یک خانواده، یک قوم یا پیروان یک مذهب نمی‌تواند مبنای ایران آزاد باشد. در پاسخ‌های رسمی شاهزاده نیز میان دادخواهی و انتقام تمایز گذاشته شده و بر فرایند شفاف عدالت انتقالی تأکید می‌شود. سخنران باید این تمایز را در زبان خود حفظ کند و از اکنون نشان دهد که نظم آینده به دادرسی و قانون متکی خواهد بود. [۱۰]

## ۶. متانت و اطمینان در بیان سیاسی

سخنران باید بداند چه می‌خواهد بگوید، چرا آن را می‌گوید و چه دلیلی برای آن دارد. اطمینان در سخن از آماده‌بودن و روشن‌بودن هدف می‌آید. شمرده صحبت کردن، مکث به موقع و توضیح اصطلاحات، به شنونده فرصت فهم می‌دهد. فریاد مداوم و شتاب در جمله‌ها می‌تواند استدلال را زیر صدای سخنران پنهان کند. متانت به معنای بی‌تفاوتی نسبت به جنایت یا عقب‌نشینی از موضع سیاسی نیست. می‌توان سرکوب را صریح محکوم کرد، از شاهزاده دفاع کرد و برای تغییر حکومت استدلال آورد، در حالی که شأن شنونده و حقوق

مخالف رعایت شود. سخنران باید به اندازه‌ای بر مضمون مسلط باشد که برای محکم به نظر رسیدن، به تحقیر نیاز پیدا نکند.

همچنین نباید هر رفتار تند را به یک علت روان‌شناختی نسبت داد. از روی چند جمله نمی‌توان درباره شخصیت یا سلامت روان افراد تشخیص داد. مسئله عملی این است که چه رفتاری به هدف جمعی کمک می‌کند. ناسزا، تهدید و رقابت بر سر شدت شعار، پیام سیاسی را از برنامه و استدلال دور می‌کند. سخنران مسئول می‌تواند این رفتارها را نقد کند، بی‌آنکه خود وارد همان الگو شود.

منظور من از نگاه از موضع بالا، نگاه از سطح مسئله ملی است؛ نگاهی که از رنجش شخصی فاصله می‌گیرد و تمام کشور را می‌بیند. سخنران باید شأن شهروند را برابر با شأن خود بداند. کسی که از آینده ایران صحبت می‌کند، باید بتواند این پرسش را نیز تحمل کند که برنامه او چگونه اجرا خواهد شد. آمادگی برای پاسخ‌دادن، نشانه اتکای او به استدلال است.

## ۷. مدیریت اختلاف و پرهیز از نزاع شخصی

تربیب عمومی جای ادامه یک مشاجره دوفره نیست. اگر شخصی در میان سخنرانی اعتراض کند، سخنران می‌تواند موضوع را کوتاه و محترمانه پاسخ دهد یا آن را به زمان پرسش و پاسخ بسپارد. برگزارکننده نیز باید نظم جلسه و امنیت افراد را با روش‌های قانونی حفظ کند. کشاندن سخنرانی به جدال شخصی، وقت جمع را می‌گیرد و پیام اصلی را فرسوده می‌کند.

اختلاف نظر سیاسی می‌تواند واقعی و مهم باشد. پرسش درباره اختیارات دوران گذار، زمان انتخابات، حقوق اقلیت‌ها یا پاسخ‌گویی مسئولان باید جدی گرفته شود. جنبشی که به پارلمان‌تاریسم باور دارد، باید از گفت‌وگوی دقیق درباره همین مسائل استقبال کند. نقد یک پیشنهاد، با دشمنی با ایران یا نفی حق حمایت از شاهزاده یکسان نیست.

در نوشته‌ام درباره تفکر زمینه‌ای توضیح داده‌ام که رفتار و داوری انسان را باید در پیوند با شرایط تاریخی، اجتماعی و شخصی فهمید. این رویکرد به سخنران کمک می‌کند که پیش از برچسب‌زدن، مسئله پشت اعتراض

را بشناسد. ممکن است فردی از تجربه سرکوب ترسیده باشد، درباره آینده نگرانی حقوقی داشته باشد یا با بخشی از برنامه موافق نباشد. فهم زمینه، به ما امکان پاسخ دقیق‌تر می‌دهد. [۱۱]

به همین دلیل، من معتقدم مرحله کنونی جنبش به انضباط سیاسی بیشتری نیاز دارد. انرژی جمع نباید در پیگیری مداوم حاشیه‌ها مصرف شود. هر سخنران باید از خود بپرسد آیا این جمله به فهم هدف، انسجام ملی یا اعتماد عمومی کمک می‌کند. اگر پاسخ منفی است، حذف آن می‌تواند به سود جنبش باشد.

## ۸. جاوید شاه و ترجمه یک شعار به تعهد عمومی

در برداشت سیاسی من، «جاوید شاه» بیان فشرده تعلق به ایران، اعتماد به نام پهلوی و امید به آزادی و تداوم ملی است. من آن را با میراث ایرانی، از کورش بزرگ تا تجربه‌های معاصر کشور، پیوند می‌دهم. این، تفسیر من از معنای شعار است؛ همه ایرانیان الزاماً همین برداشت را ندارند و نمی‌توان از تکرار یک شعار، اندازه دقیق رضایت جامعه یا نتیجه انتخابات آینده را استخراج کرد.

وظیفه سخنران آن است که محتوای این امید را توضیح دهد. اگر از ایران آزاد سخن می‌گوییم، باید روشن کنیم آزادی برای چه کسی و در کدام نهاد تضمین خواهد شد. اگر از عزت ملی سخن می‌گوییم، باید آن را به امنیت، آموزش، معیشت و رابطه محترمانه با جهان پیوند دهیم. شعار زمانی به برنامه سیاسی نزدیک می‌شود که شنونده بتواند اثر آن را در زندگی خود تصور کند.

برای من، دفاع از شاهزاده با دفاع از حق انتخاب مردم همراه است. امید دارم که ایرانیان در شرایط آزاد، پادشاهی مشروطه پارلمانی را انتخاب کنند. این امید، اجازه پیش‌نویسی نتیجه صندوق رأی را به ما نمی‌دهد. سخنران باید بتواند از ترجیح خود دفاع کند و در همان حال به مردم اطمینان دهد که رأی آزاد آنان معیار نهایی خواهد بود.

ایرانیت نیز باید تعریف شهروندی داشته باشد. هیچ ایرانی به علت مسلمانی، بی‌دینی، زبان مادری، قومیت یا گرایش سیاسی از تعلق به ایران بیرون نمی‌رود. مخالفت من با اسلام سیاسی، متوجه حکومت مبتنی بر اجبار مذهبی است. آزادی عقیده و مذهب، از جمله حق باورنداشتن، باید برای همه حفظ شود. اصول آزادی عقیده و بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر، پشتوانه روشن این تعهدند. [۸]

## ۹. تنوع ایران و روابط سازنده با همسایگان

سخنران آینده‌نگر باید ایران را با همه فرزندانش ببیند. پیوندهای فرهنگی و زبانی جامعه ایران می‌توانند زمینه همکاری با همسایگان باشند. زبان فارسی راهی برای ارتباط با تاجیکستان و افغانستان است. حضور بلوچ‌ها، کردها، آذری‌ها، ترکمن‌ها و عرب‌های ایران نیز ظرفیت شناخت متقابل و رابطه فرهنگی با جوامع پیرامونی را افزایش می‌دهد.

این ظرفیت زمانی به سیاست سازنده تبدیل می‌شود که با احترام به حاکمیت کشورهای دیگر و تمامیت ارضی ایران همراه باشد. سخنران نباید پیوند فرهنگی را به ادعای مالکیت سیاسی بر سرزمین‌های دیگر تبدیل کند. ایران آینده می‌تواند از راه تجارت، دانشگاه، درمان، محیط زیست و رفت‌وآمد فرهنگی، روابطی سودمند و برابر با همسایگان خود بسازد.

پیش از آن، باید شهروند ایرانی در داخل کشور احساس کند که به رسمیت شناخته شده است. تنوع زبانی و فرهنگی، فرصتی برای غنای ملی است. مشارکت در اداره کشور و دسترسی به خدمات نباید به هویت قومی یا مذهبی وابسته باشد. سخنرانی درباره اتحاد، هنگامی باورپذیر می‌شود که حقوق و سهم همه ایرانیان در آن دیده شود.

من دوستی میان ملت ایران، ملت یهود و همه ملت‌های آزاد را بخشی از این افق می‌دانم. این دوستی باید با کرامت انسان و امکان همکاری سازنده تعریف شود. همان‌گونه که در تصویر نمادین همراه این مقاله دیده می‌شود، پیام آزادی می‌تواند از مرزها عبور کند؛ مسئولیت سخنران آن است که این همبستگی را با منافع ملی ایران و احترام به مردم دیگر پیوند دهد.

## ۱۰. کنترل دموکراتیک قدرت و مقابله با فساد

اگر می‌خواهیم مردم اختیار کشورشان را داشته باشند، باید درباره رابطه شهروند و نهادهای قدرت روشن صحبت کنیم. کنترل دموکراتیک نیروهای نظامی و اطلاعاتی از طریق قانون، دولت مسئول، نظارت پارلمانی و دادگاه مستقل تحقق می‌یابد. مردم باید بتوانند از راه نهادهای منتخب و سازوکارهای قانونی بر سیاست و بودجه این دستگاه‌ها نظارت کنند. این، معنای قابل اجرای مسئولیت عمومی است.

درباره فساد نیز محکومیت اخلاقی لازم است، اما به‌تنهایی کافی نیست. شفافیت بودجه، ثبت تعارض منافع، حسابرسی، حمایت از افشاگران و رسیدگی مستقل باید در برنامه‌سازی جای داشته باشد. اگر از اختلاس یا سوءاستفاده از منابع عمومی سخن می‌گوییم، باید میان اتهام و اثبات مسئولیت تمایز بگذاریم. اجرای قانون باید درباره نزدیکان و مخالفان یک جریان سیاسی یکسان باشد.

من می‌خواهم جامعه‌ای شکل بگیرد که آسیب‌زدن به منافع عمومی در آن شرم‌آور باشد و خدمت به کشور احترام اجتماعی داشته باشد. چنین فرهنگی با آموزش و رفتار قابل اعتماد نهادها تقویت می‌شود. نسبت دادن پاکی یا فساد کامل به یک ملت دیگر، توضیح کافی برای ساختن این فرهنگ در ایران نیست. مسئله ما طراحی قواعدی است که رفتار مسئولانه را تشویق کند و سوءاستفاده را قابل کشف و رسیدگی سازد.

سخنران می‌تواند در همین‌جا معیار صداقت جنبش را نشان دهد. حمایت از شاهزاده یا عضویت در یک گروه سیاسی نباید برای کسی مصونیت از پرسش ایجاد کند. وفاداری به ایران در عمل با پاسخ‌گویی سنجیده می‌شود. هرچه این معیار را درباره خودمان جدی‌تر اجرا کنیم، وعده‌مان درباره حکومت قانون باورپذیرتر خواهد شد.

## ۱۱. تاریخ را با زمینه آن بخوانیم و برای آینده برنامه داشته باشیم

گذشته ایران باید با شواهد و در زمینه زمان خود بررسی شود. برای داوری درباره رضاشاه و محمدرضاشاه، لازم است وضعیت کشور، منابع موجود، شرایط بین‌المللی و محدودیت‌های نهادی هر دوره را بشناسیم. نگاه زمینه‌ای، مسئولیت تاریخی را حذف نمی‌کند؛ به ما کمک می‌کند داوری دقیق‌تری داشته باشیم و از ساده‌سازی تجربه یک کشور پرهیز کنیم. [۱۱]

با این حال، تربیون امروز نباید در دفاع یا محکومیت بی‌پایان گذشته متوقف بماند. تاریخ‌پژوهی و گفت‌وگوی عمومی درباره گذشته باید آزاد باشد، اما سخنران جنبش باید زمان کافی به نیازهای فردا اختصاص دهد. مردم حق دارند بدانند برای امنیت، اشتغال، آموزش، درمان، آب و بازسازی نهادهای کشور چه چشم‌اندازی وجود دارد.

در کتاب «مردم من» کوشیده‌ام حمایت از شاهزاده را به مسئله ساختن یک خانه سیاسی برای همه ایرانیان پیوند دهم. در آن چارچوب، ملت در جایگاه نخست قرار می‌گیرد و قانون اساسی، حدود کسب، اعمال و واگذاری قدرت را تعیین می‌کند. سخنرانی نیز باید از همین افق تغذیه کند. خواننده و شنونده باید ببیند که تعلق ملی چگونه به حقوق قابل اجرا و مسئولیت نهادی تبدیل می‌شود. [۲]

در سناریوی عبور ایران از جنگ، سرکوب و گذار سیاسی، بازسازی به توان همه فرزندان کشور نیاز خواهد داشت. پزشک، معلم، کارگر، کشاورز، مدیر و پژوهشگر هر یک سهمی دارند. چپ، راست و میانه، هرگاه قواعد رقابت آزاد و حقوق شهروندان را بپذیرند، می‌توانند در این فرایند مشارکت کنند. این نگاه، سخنران را از رقابت برای حذف دیگران به توضیح راه همکاری ملی هدایت می‌کند.

## ۱۲. آمادگی و مسئولیت سخنران پیش از رفتن پشت میکروفون

پیش از سخنرانی، باید هدف اصلی در یک جمله روشن شود. سپس چند استدلال مستند و یک دعوت عملی متناسب با جلسه انتخاب شود. مخاطب باید بداند موضوع چیست، چرا اهمیت دارد و چه مشارکتی از او خواسته می‌شود. آماده‌کردن متن، تمرین زمان و بازبینی منابع، به سخنران کمک می‌کند که در برابر هیجان جمع، مسیر بحث را حفظ کند.

در خود سخنرانی، تجربه شخصی، ارزیابی سیاسی و واقعیت مستند باید از یکدیگر قابل تشخیص باشند. عبارت‌هایی مانند «از نظر من»، «در این گزارش» و «پیشنهاد می‌کنم» جایگاه جمله را روشن می‌کنند. اگر درباره مسئله‌ای اطلاع کافی نداریم، می‌توانیم بگوییم که باید آن را بررسی کنیم. اعتبار سیاسی با توان اصلاح خطا نیز افزایش می‌یابد.

دعوت پایانی باید روشن و مسئولانه باشد: مطالعه برنامه‌ها، شرکت در گفت‌وگوهای مدنی، کمک داوطلبانه به کارهای عمومی یا پیگیری حقوق بشر از مسیرهای قانونی. سخنران نباید از جایگاهی امن، خطرهای نامشخص را بر دوش دیگران بگذارد. شأن زندگی مردم و حق آنان برای تصمیم آگاهانه باید در هر فراخوان حفظ شود.

پس از جلسه نیز مسئولیت پایان نمی‌یابد. متن یا ویدئوی سخنرانی باید با منابع قابل بررسی منتشر شود و خطاهای مهم اصلاح شوند. معیار موفقیت فقط تشویق جمع نیست. باید دید آیا مخاطب هدف را بهتر فهمیده، برای مشارکت راهی روشن یافته و اعتماد بیشتری به رعایت حقوق خود پیدا کرده است. این معیار، سخنرانی را به بخشی از کار سازمان یافته کشورسازی تبدیل می‌کند.

## ۱۳. نمونه گفتار برای یک سخنرانی عمومی

هم‌میهنان عزیز، من از شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری دوران گذار حمایت می‌کنم، زیرا باور دارم که او می‌تواند به انسجام ملی و عبور ایران به یک نظم سکولار و دموکراتیک کمک کند. این حمایت با مسئولیتی روشن همراه است: آینده کشور باید با انتخاب آزاد مردم و در چارچوب قانون ساخته شود.

وقتی نام پهلوی را به زبان می‌آورم، به ایران توانمند و رو به آینده فکر می‌کنم؛ به مدرسه‌ای که فرصت رشد بدهد، بیمارستانی که به بیمار خدمت کند و دولتی که منابع عمومی را با صداقت اداره کند. آنچه من پهلوی پلاس می‌نامم، پیوند همین توان کشورسازی با انتخابات آزاد، پاسخ‌گویی و حقوق برابر شهروندان است.

ترجیح من پادشاهی مشروطه پارلمانی است و امیدوارم مردم ایران نیز آن را آزادانه انتخاب کنند. رأی مردم باید واقعی باشد. اگر از آزادی سخن می‌گوییم، باید به مخالفان نیز اطمینان بدهیم که در ایران آینده حق بیان، حق تشکل و حق رقابت خواهد داشت. هیچ ایرانی برای برخورداری از حقوق خود نباید از ما اجازه بگیرد.

ما رنج قربانیان سرکوب را فراموش نمی‌کنیم. حقیقت باید روشن شود و مسئولان نقض حقوق باید در دادگاه عادلانه پاسخ دهند. کرامت انسان و اجرای قانون، تعهد امروز ماست. سخن ما باید این تعهد را حفظ کند، حتی هنگامی که خشمگین و اندوهگین هستیم.

ایران خانه مشترک همه ماست. فارس، آذری، کرد، بلوچ، عرب، ترکمن و دیگر ایرانیان باید در ساختن آینده سهم داشته باشند. مؤمن و نامؤمن، زن و مرد، پادشاهی‌خواه و جمهوری‌خواه، همگی از حقوق شهروندی برابر برخوردار خواهند بود. ما برای کشوری تلاش می‌کنیم که در آن اختلاف سیاسی با گفت‌وگو و رأی حل شود.

از پشت این میکروفون به آینده نگاه می‌کنم؛ به ایرانی مستقل که با همسایگانش همکاری می‌کند و با جهان رابطه‌ای محترمانه دارد. امروز وظیفه ما حفظ اتحاد، افزایش دانش سیاسی و آماده‌شدن برای مسئولیت

کشورسازی است. دفاع من از شاهزاده رضا پهلوی در همین افق قرار دارد. من «جاوید شاه» را با امید به آزادی ایران و حاکمیت قانون می‌گویم، و حق تصمیم‌نهایی را از آن مردم ایران می‌دانم.

## منابع

۱. شاهزاده رضا پهلوی. درباره رضا پهلوی و اصول بنیادین. وبسایت رسمی، بخش اصول بنیادین؛ دسترسی ۹ اکتبر ۲۰۲۶.

باز کردن منبع ۱

۲. بخشایش، پیمان. مردم من؛ چشم‌اندازی برای ایران آزاد، مستقل و آباد. نسخه فارسی، ۸ اکتبر ۲۰۲۶؛ فصل‌های چهارم و پنجم، بخش‌های پهلوی پلاس و بنیان‌گذاری سیاست.

باز کردن منبع ۲

۳. پروژه شکوفایی ایران. دفترچه مرحله اضطراری. بخش سیاسی، بندهای ۱۵.۶ تا ۱۵.۹، صفحات ۲۹ تا ۳۱ فایل PDF؛ طرح پیشنهادی، نسخه موجود در ۹ اکتبر ۲۰۲۶.

باز کردن منبع ۳

۴. بولمر، الیوت. پادشاهان مشروطه در دموکراسی‌های پارلمانی. مؤسسه بین‌المللی دموکراسی و کمک انتخاباتی، راهنمای قانون اساسی شماره ۷؛ نسخه بازنگری‌شده ۲۰۱۷.

باز کردن منبع ۴

۵. مجلس نمایندگان ژاپن. قانون اساسی ژاپن، ۱۹۴۶، لازم‌الاجرا از ۱۹۴۷؛ اصول ۱، ۳، ۴ و ۶ درباره جایگاه امپراتور و رابطه او با نهادهای منتخب.

باز کردن منبع ۵

۶. خاندان سلطنتی بریتانیا. پادشاه و نخست‌وزیر. توضیح رسمی رابطه پادشاهی مشروطه، بی‌طرفی سیاسی و اعتماد مجلس؛ دسترسی ۹ اکتبر ۲۰۲۶.

باز کردن منبع ۶

۷. بولمر، الیوت. سازوکارهای تشکیل و برکناری دولت. مؤسسه بین‌المللی دموکراسی و کمک انتخاباتی، راهنمای قانون اساسی شماره ۱۷، ۲۰۱۷.

باز کردن منبع ۷

۸. سازمان ملل متحد. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸؛ مواد ۲، ۱۸، ۱۹ و ۲۱ درباره برابری، آزادی عقیده و بیان و مشارکت سیاسی.

باز کردن منبع ۸

۹. دفتر سازمان ملل متحد در ژنو و دفتر کمیسر عالی حقوق بشر. گزارش سخنان فولکر تورک در نشست ویژه شورای حقوق بشر درباره ایران، ۲۳ ژانویه ۲۰۲۶.

باز کردن منبع ۹

۱۰. شاهزاده رضا پهلوی. پرسش‌ها و پاسخ‌ها. بخش ریزش نیروها، دادخواهی و عدالت انتقالی. وبسایت رسمی؛ دسترسی ۹ اکتبر ۲۰۲۶.

باز کردن منبع ۱۰

۱۱. بخشایش، پیمان. تفکر زمینه‌ای؛ مدلی برای قضاوت عمیق، کاهش خطای دید و مدیریت هیجان در زندگی فردی، اجتماعی و کنش جمعی. ۲ ژوئن ۲۰۲۶؛ بخش‌های مقدمه و تعریف تفکر زمینه‌ای.

باز کردن منبع ۱۱